

عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

دکتر علی‌نقی اقدسی^۱

افسانه زینال‌فام^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۰۹

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب انجام شد. جامعه آماری این تحقیق دو گروه دختران ترک تحصیل نکرده و ترک تحصیل کرده در سال تحصیلی ۹۰ - ۸۹ در سه پایه متوسطه شهرستان میاندوآب هستند که تعداد دختران ترک تحصیل نکرده ۴۰۸۵ نفر و تعداد دختران ترک تحصیل کرده ۶۰۴ بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و حجم نمونه بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران انجام پذیرفت و از هر دو گروه به تعداد ۲۳۴ نفر ترک تحصیل و به همین تعداد نیز دانش آموز عادی (مشغول به تحصیل) که مجموعاً ۴۶۸ نفر بود به عنوان نمونه تصادفاً گزینش گردید. روش تحقیق حاضر علی-مقایسه‌ای بوده و برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است برای تعیین میزان تاثیر میزان متغیرها در فرضیه‌ها دو گروه از دختران (مشغول به تحصیل و بازماندگان از تحصیل) مقایسه گردیدند و اطلاعات به دست آمده از طریق آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که عوامل محیطی، خانوادگی، اقتصادی، عوامل مربوط به مدرسه‌ی ترک تحصیل، گروه همسالان بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است یعنی عوامل ذکر شده بیشترین نقش را در ترک تحصیل دختران داشته است و همچنین اختلاف میانگین ترک تحصیل دانش آموزان براساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) برابر ۱/۲۸ است که نشانگر ترک تحصیل بیشتر دانش آموزان در محیط روستایی به محیط شهری می‌باشد ولی این اختلاف از لحاظ آماری معنی دار نمی‌باشد. یعنی محیط زندگی نقش عمده‌ای در ترک تحصیل دانش آموزان دختر نداشته است.

واژگان کلیدی: عوامل محیطی و اجتماعی، ترک تحصیل، دانش آموزان دختر.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

۲. کارشناس ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه:

جوامع امروز، مردم انتظارات گوناگون از آموزش و پرورش دارند، آنها از دستگاه آموزشی می‌خواهند در حل مسائل و مشکلات اجتماعی پیشقدم باشد، جامعه را به سمت رفاه و پیشرفت هدایت کند و مردم را از طریق فرآیند آموزش و پرورش به سوی زندگی بهتر و عادلانه‌تری سوق دهد. ولی آیا نظام آموزشی می‌تواند در این زمینه مشکل گشا باشد، نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد، نردبانی باشد برای ارتقای افراد از طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر به طبقه بالاتر، موقعیت شغلی و اقتصادی بهتر و مرتبه اجتماعی بالاتری را برای آنها فراهم کند؟ (مهران، ۱۳۸۲).

در نظام آموزش و پرورش آنچه عدم توفیق در تحقق هدف‌ها و مقاصد را موجب می‌شود افت و ترک تحصیلی بوده است و عمدتاً به صورت ترک تحصیل میان دوره مردودی و با عدم اشتغال در رشته مورد تحصیل مشاهده می‌شود. عوامل ترک تحصیل دختران بازتاب مسائل و مشکلات پیچیده موجود در جامعه است به همین دلیل حل این مشکل به آسانی ممکن نخواهد بود. باز ماندن از تحصیل دختران ممکن است در عدم توفیق در امتحان و محرومیت از ارتقاء یا در نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد (معیری، ۱۳۷۶).

تحقیقات نشان داده‌اند که نوجوانانی که در سنین پایین به ایفای نقش و رفتار بزرگسالان پرداختند متحمل خسارت زیادی در عملکرد در زندگی بزرگسالی شده‌اند. هر قدر نوجوانان بتوانند تجارب آموزشی را در خلال دوره‌ی نوجوانی کسب نمایند بهتر می‌توانند آماده‌ی رویارویی با چالش‌های زندگی در دوره‌ی بزرگسالی باشند. ترک تحصیل زود هنگام یک حادثه‌ی "زودرس کاذب" است که نوجوان را زودتر از موعد درگیر نقش‌های بزرگسالان می‌کند (پیرسون، و نیوکومپ^۲، ۲۰۰۲). روان‌شناسان و متخصصان آموزشی بر این باورند که نوجوان باید تا آنجا که می‌تواند در سنین بین ۱۴ تا ۱۸ سال یعنی سنین رشد، وقت و انرژی خود را در محیط آموزشی بگذراند (داش‌خانه، ۱۳۸۰).

باز ماندن از تحصیل زود هنگام دانش‌آموزان بخصوص دختران دانش‌آموز می‌تواند اثرات و تبعات منفی در بعد فردی و اجتماعی داشته باشد. با توجه به اکثریت جمعیت دختران دانش‌آموز از مجموع دانش‌آموزان کشور، بررسی ترک تحصیل زود هنگام آنها، با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری‌های دولت و خانواده‌ها در این زمینه، لازم و ضروری بنظر می‌رسد. هر قدر دختران بتوانند سال‌های بیشتری را در نظام آموزشی طی کنند به همان نسبت در رویارویی با مشکلات زندگی در بزرگسالی آماده‌تر می‌شوند، همچنین استفاده‌ی بهینه دختران از فرصت‌های آموزشی می‌تواند در افزایش تولید و درآمد ملی اثرات مثبت به دنبال داشته باشد (عارفی، ۱۳۸۲).

صاحب‌نظران دلایل افت یا اتلاف در آموزش و پرورش را به کوتاهی نظام آموزشی ربط می‌دهند و خاطر نشان می‌کنند که ساخت و هدف نظام آموزشی نقش عمده در اتلاف منابع به صورت ترک تحصیل و تکرار پایه‌ی تحصیلی دارد (همان منبع ص ۱۶۷). ترک تحصیل کنندگان نه تنها به خیل بیسوادان بیکار جامعه می‌پیوندند، بلکه ناکامی در تحصیل باعث می‌شود هزینه‌ی تحصیلات همگانی آموزش و پرورش افزایش یافته و گرانی آموزش سرانه در برخی کشورها به طور چشمگیری محسوس شود. فلذا ضرورت اجرای پژوهش در زمینه‌ی علل محیطی اجتماعی بازماندگی از تحصیل دختران نه تنها به شناخت متغیرهای تعیین کننده در این مسئله منجر می‌شود، بلکه راهکارهای اساسی را در مورد برنامه‌های پیشگیری به برنامه‌ریزان ارائه دهیم. مهران (۱۳۸۲) در یک مطالعه گسترده که توسط وزارت آموزش و پرورش و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در چهار استان محروم کشور کردستان، کهگیلویه و بویر احمد و هرمزگان و لرستان انجام پذیرفته است به شناسایی موانع درون و برون مدرسه افراد پرداخته است. محقق با استفاده از روش کیفی (مصاحبه) با والدین، مسئولان و افراد بازمانده از تحصیل، سعی در طبقه بندی دلایل ترک تحصیل دختران حول سه محور: علل مدرسه مدار، علل خانواده مدار و علل کودک مدار دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل بازدارنده ترک تحصیل دختران را باید در عوامل فرهنگی و سپس عوامل اقتصادی و نهایتاً در عوامل آموزشی جستجو نمود. محقق در پایان راه حل‌هایی را ارائه نموده که می‌توان از طریق آن عوامل بازدارنده را کاهش داد و عوامل تسهیل کننده را تقویت نمود.

یکی دیگر از تحقیقاتی که در این زمینه جدیداً انجام پذیرفته است موضوع نابرابری‌های آموزشی و شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد این نابرابری‌هاست، که توسط داش خانه (۱۳۸۰) مورد بررسی قرار گرفته است. محقق در این مطالعه به بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی بین دختران. پسران در دوره آموزشی عمومی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق را ۳۰۰ دانش آموز پایه پنجم ابتدایی و راهنمایی در سال تحصیلی ۷۹-۸۰ در شش استان کشور (کهگیلویه و بویراحمد، فارس، کردستان، اصفهان، ایلام و سیستان و بلوچستان) تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه دستیابی برابر به فرصت‌های آموزشی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت با محرومیت بیشتر دختران در مقایسه با پسران است. همچنین عوامل برون مدرسه‌ای (عوامل فرهنگی و اقتصادی) به میزان بیشتری موجب محرومیت دختران از آموزش در دوره عمومی می‌شود. محقق در پایان مطالعه سعی در ارائه مدلی جهت فرصت‌های برابر آموزشی نموده است.

معمدیان و صادق موسوی (۱۳۷۰) به بررسی علل مردودی و ترک تحصیل در پایه‌های اول ابتدایی و اول راهنمایی کشور پرداخته‌اند. که یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی که در مردودی و ترک تحصیل دانش‌آموزان پایه اول راهنمایی تأثیر دارند عبارتند از فقدان پدر، فقر فرهنگی و تحصیلات خانواده، ضعف معلمان در اداره کلاس. کمبود فضای آموزشی، افزایش تراکم دانش‌آموز در کلاس، مشکلات خانوادگی

مانند اعتیاد، طلاق و ... تعداد زیاد اولاد در خانواده، عدم توجه دیرین به دانش‌آموزان ضعیف، عدم علاقه دانش‌آموزان به مواد درسی پایه اول راهنمایی و ... همچنین عواملی مانند ضعف تغذیه، فقدان مادر یا پدر، فقر فرهنگی و تحصیلات خانواده، عدم رسیدگی مستمر به تکالیف درسی دانش‌آموزان، ضعف معلمان در ایجاد ارتباط و رفتار صحیح و ... در مردودی و ترک تحصیل دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی تأثیر دارند.

انزایی (۱۳۷۲) به بررسی علل ترک تحصیل و مردودی در پایه‌های اول ابتدایی و اول راهنمایی تحصیلی در مناطق آموزش و پرورش اداره کل آموزش و پرورش استان اذربایجان شرقی پرداخته است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که (۱) میزان تحصیلات پدر و مادر اکثر دانش‌آموزان مردودی بی‌سواد و در حد دوره ابتدایی بوده است (۲) اکثر دانش‌آموزان مردودی دارای خانواده با جمعیت ۶ نفر و بیشتر می‌باشد که نشانگر تأثیر تعداد زیاد افراد خانواده در مردود شدن دانش‌آموزان است (۳) اکثر والدین دانش‌آموزان مردودی در انجام تکالیف به دانش‌آموزان کمک نمی‌کرده‌اند که این عامل می‌تواند تأثیر زیادی در مردودی و ترک تحصیل دانش‌آموزان تلقی گردد (۴) عملکرد ضعیف مدیران و عدم تجربه و تحصیلات کافی معلمان و حجم کتب درسی در مردودی دانش‌آموزان مؤثر است (۵) نبود فضا، امکانات و تجهیزات آموزشی، تراکم زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس، مهاجرت بی‌رویه و چند نوبته شدن مدارس در مردودی و ترک تحصیل مؤثر بوده است.

سخایی (۱۳۸۲) در تحقیقی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی در شهرستان فریدون شهر استان اصفهان خاطر نشان می‌سازد که ازدواج زود رس، اضطراب از آینده شغلی، عدم دسترسی به آموزشگاه و دور بودن آن از محل زندگی، روش‌های تدریس معلمان، تعصبات محلی و خانوادگی، بی‌سوادی و کم‌سوادی والدین، شیوه‌های فرزند پروری خانواده‌ها، سبک مدیریت خانواده‌ها، میزان دسترسی به مواد آموزشی، انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان و استعداد و توان یادگیری آنها در ترک تحصیل تأثیر بسزایی دارند.

نادری بلداجی (۱۳۸۱) به بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی عشایری لردگان و اردل پرداخته است که یافته‌ها نشان داده است که: ۱- عوامل اجتماعی - فرهنگی بر ترک تحصیل دانش‌آموزان عشایر تأثیر دارد. ۲- عوامل آموزشی بر ترک تحصیل دانش‌آموزان عشایر مؤثر است. ۳- بین تأثیر عوامل آموزشی و اجتماعی و فرهنگی در ترک تحصیل دختران و پسران تفاوت وجود دارد.

پژوهش محسنی (۱۳۷۹) در مورد علل و میزان ترک تحصیل مدارس راهنمایی بخش گل تپه از توابع استان همدان نشان می‌دهد که: پایین بودن سطح سواد والدین، تجدید شدن و عدم شرکت در امتحانات، مردودی در پایه‌های مختلف و پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها از عوامل اصلی ترک تحصیل دانش‌آموزان راهنمایی در بخش گل تپه بوده است.

پژوهش مطهری (۱۳۸۱) تحت عنوان عوامل درون مدرسه‌ای مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در استان قم نشان می‌دهد که اهداف این تحقیق شناسایی نقش عوامل: نوع رابطه و برخورد اولیا مدرسه، روش تدریس معلم، انتظامات و مقررات مدرسه، فضا و امکانات مدرسه، محتوا و حجم کتب درسی، عدم امنیت دانش آموزان، شکست تحصیلی، تفاوت بین دختران و پسران در ترک تحصیل انجام گرفته است که نتایج مبین وجود رابطه بین این عوامل و ترک تحصیل است.

امجدیان و صیدی (۱۳۸۰) عدم ارتباط بین والدین و مدرسه، عدم برخورد مناسب معلم با دانش آموزان، عدم تسلط معلم بر محتوای درس و بوجود آمدن جو تنش و اضطراب در کلاس درس، فقر مالی والدین، بی‌علاقه‌گی به مدرسه و درس خواندن را از مهمترین علل و عوامل ترک تحصیل دانش آموزان می‌داند.

سلطانی (۱۳۷۵) در تحقیقی به بررسی علل ترک تحصیل دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه کبودرآهنگ در استان همدان پرداخته و از روش تحقیق علی یا پس از وقوع استفاده نموده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که علت اصلی ترک تحصیل این افراد وارد شدن به بازار کار جهت کسب درآمد بیشتر از لحاظ اقتصادی و فواید مادی آن بوده است.

ترکاشوند (۱۳۷۶) به بررسی نقش زمینه شغلی در ترک تحصیل دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی روستای اشترمل توپسرکان در استان همدان پرداخته است نتایج نشان می‌دهد فقر مالی مهمترین عامل ترک تحصیل دانش آموزان و عامل دوم مهیا بودن زمینه شغلی و محیط کار برای افراد کم سن و سال در این روستا بوده است.

سیف (۱۳۷۸) به بررسی علل ترک تحصیل دانش آموزان پنجم ابتدایی بخش فیروزان از دیدگاه معلمین پرداخته است جامعه آماری معلمین کلاس پنجم بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از لیست معلمین تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است و از پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. که نتایج حاصله نشان می‌دهد که علل اصلی ترک تحصیل کمک به امرار معاش خانواده و دوری راه برای مقاطع بالاتر است.

حسینی (۱۳۷۵) مهم ترین عوامل ایجاد محرومیت از تحصیل دختران در منطقه دهگلان را این گونه می‌شمارد: فقر مالی خانواده، تحصیلات کم والدین، پایین بودن سن ازدواج دختران، عده زیاد فرزندان، کمبود معلمان بومی، کمبود امکانات آموزشی علی‌الخصوص فضای آموزشی مجزا برای دختران، بی‌سوادی و کمبود فرهنگ مادران.

عسگری (۱۳۸۲) در بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه فامنین از نظر دانش آموزان و دبیران در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ نشان می‌دهد که بین ترک تحصیل در منطقه فامنین و نحوه برخورد مدیران، معلمان و معاونین، عدم وجود مدارس و امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، نحوه و روش تدریس معلمان، فقر اقتصادی خانواده‌ها، کارکردن دانش آموزان

برای تأمین هزینه تحصیل، شغل والدین، ازدواج زود هنگام، اعتقاد به عدم ارتباط بین تحصیل و موقعیت اجتماعی در آینده، وضعیت اشتغال افراد تحصیل کرده، عدم علاقه به تحصیل و عدم علاقه به برخی دروس مشکل در مدرسه، فقدان رابطه محترمانه بین دانش آموزان و معلمان رابطه معنی داری وجود دارد.

مهران (۱۳۸۲) عوامل ترک تحصیل دختران را حول سه محور طبقه بندی می‌کند:

الف - علل مدرسه مدار مثل کلاس درس، روش برخورد و آموزگار، روش تدریس کتاب‌های درسی، محتوای آموزشی، ارزشیابی و پیگیری معلم و مدرسه.

ب- علل خانواده مدار، مثل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

ج- علل کودک مدار، که معمولاً بر اثر کاستی‌های بخش الف و ب حاصل می‌شود.

مطالعه دیگری نشان می‌دهد که ترک تحصیل کنندگان بیشتر از خانواده‌هایی هستند که دارای درآمد پایین هستند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که دانش‌آموزانی که از خانواده درآمدهای پایین ۲۰ درصد جامعه معمولاً شانس ترک تحصیل شان دو برابر خانواده‌هایی است که درآمدها بالای ۲۰ درصد جامعه است (مک ملین^۳ و همکاران، ۲۰۰۷).

رامبرگر^۴ (۲۰۰۱) پس از بررسی ویژگی‌های فردی و آموزشی دانش آموزان با یک مدل خطی سلسله مراتبی، رتبه دانش آموزان در کلاس درس و نمره وی را از عمده‌ترین عوامل پیش بینی کننده ترک تحصیل می‌داند.

نتایج پژوهش انجام گرفته شده توسط چو^۵ (۲۰۰۳) درباره وضعیت دانش آموزان در خطر ترک تحصیل، تجربیات منفی دانش آموزان با معلمان و مدیر مدرسه، مشکلات شخصی و تجربیات منفی با سایر دانش‌آموزان در محیط مدرسه و احساس تنهایی دانش آموزان طبقه پایین را از مهمترین علل و عوامل ترک تحصیل ذکر نموده است.

ترک تحصیل زود هنگام اثرات بسیار وخیمی بر روی دختران اسپانیولی زبان در آمریکا بجای می‌گذارد، زیرا دختران آمریکای لاتین ساکن در آمریکا برای راهیابی به مدارج بالای تحصیل و فرصتهای شغلی نسبت به پسران شانس کمتری دارند. سرشماری جدید مشکلات جدی ترک تحصیل کنندگان را قبل از آنکه از دبیرستان فارغ التحصیل شوند نشان داد. در سال ۱۹۹۵ آمریکایی‌های آفریقایی تبار و همچنین سفید پوستان غیر اسپانیولی ۸۷ درصد افرادی را تشکیل می‌دادند که توانسته بودند دبیرستان را به اتمام برسانند. در حالیکه اسپانیولی تبارها فقط ۵۷ درصد از آنها دبیرستان را به اتمام رسانده‌اند. این در حالی است که نرخ دختران اسپانیولی که مدرسه را به اتمام رسانیده‌اند نسبت به پسران کمی بیشتر است. این

1. Mc Millen & et al.

2. Rumberger .R .

3. Chow. S .

مقاله سعی در بیان این موضوع دارد که چگونگی نقش جنسیتی، خانواده، مدرسه و دوستان در ادامه تحصیل دختران و تصمیم گیری شغلی آنان اثر می‌گذارد (رومو^۶، به نقل از صداقت، ۱۳۸۶).
 جونز و همکارانش^۷ (۲۰۰۰) در یک تحقیق طولی که بر روی ۸۱۲ نفر از کلاس هفتمی‌ها تا یازدهمی‌ها انجام دادند متغیرهای مختلف را در مورد ترک تحصیل به آنان کشاندند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که عملکرد و رفتار مدرسه ابعاد مهم ترک تحصیل را تشکیل می‌دهند. شکاف فرهنگی یکی از مسائلی بود که این محقق بر روی آن انگشت نهاده بودند. بعبارتی در مناطقی که این شکاف بیشتر می‌شود احتمال ترک تحصیل دانش آموزان در آن مناطق بالاتر می‌رود. نتایج مطالعات مختلف در مورد ترک تحصیل زود هنگام دانش آموزان نشان می‌دهد که جمعیت ترک تحصیل کنندگان هیچگاه یک الگوی متجانس و هماهنگی را دنبال نموده‌اند و به همین دلیل مطالعه ترک تحصیل در مناطق مختلف ضروری و درعین حال مشکل به نظر می‌رسد.

در تحقیق دیگری، ولز^۸ (۱۹۸۹) به عوامل درون مدرسه در ترک تحصیل دانش آموزان بیشتر تأکید دارند این پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که ساختار و اندازه گروه‌های آموزشی می‌تواند در ترک تحصیل دلخواه دانش آموزان مؤثر واقع افتد. ضعف در روابط معلم و شاگرد، تخصصی بودن معلمان در موضوعات درسی، رشد منفی خود ارزشی در بین دانش آموزان اقلیت نیز می‌تواند در ترک تحصیل آنان مؤثر واقع افتد. تحقیق حاضر با توجه به هدف «مشخص کردن علل محیطی، اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر شهرستان میاندوآب» به بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته است:

- ۱- عوامل محیطی بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است.
- ۲- عوامل خانوادگی بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است.
- ۳- عوامل اقتصادی بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است.
- ۴- عوامل مربوط به مدرسه بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است.
- ۵- عوامل مرتبط با گروه همسالان بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است.
- ۶- ترک تحصیل دانش آموزان بر اساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) متفاوت است.

روش شناسی تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق و ماهیت داده‌های پژوهش، روش علی - مقایسه‌ای در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته (بازماندگی از تحصیل) به بررسی

۶. Romo

۷. Janosz & others

۸. Wells

احتمالی وقوع آن می‌پردازد و سعی بر آن دارد که از معلول به علل احتمالی پی برد بدین منظور، آزمودنی‌هایی که ترک تحصیل کرده‌اند را با آزمودنی‌هایی که این رفتار در آنها مشاهده نمی‌شود (به تحصیل ادامه داده‌اند)، مورد مقایسه قرار می‌گیرند. انتخاب گروه مورد مقایسه کاملاً تصادفی بوده و از منطقه‌ای انتخاب شده است که ترک تحصیل کنندگان از آن مناطق بوده‌اند زیرا انتخاب تصادفی از جامعه، روش مناسب‌تری برای تعیین گروه مقایسه است و از نظر هدف نیز، کاربردی می‌باشد.

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است و جامعه آماری متشکل از کلیه دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهرستان میاندوآب به تعداد ۴۶۸۹ نفر، ترک تحصیل نکرده ۴۰۸۵ نفر و ترک تحصیل کرده ۶۰۴ نفر که در ۲۰ مدرسه دخترانه شهری و روستایی مشغول به تحصیل بوده‌اند و به لحاظ توزیع جامعه در سطح جغرافیایی از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است یعنی ابتدا شهرستان میاندوآب به چهار بخش بلوک بندی شده سپس تعداد دهستان‌های موجود مشخص شدند و در نهایت نمونه‌گیری بصورت تصادفی ساده براساس سهم هر منطقه تعیین و انتخاب شدند و حجم نمونه ترک تحصیل کنندگان دختر براساس فرمول کوکران ۲۳۴ نفر مشخص شد و همچنین به همین تعداد نیز دختران شاغل به تحصیل (عدم محروم از تحصیل) بصورت تصادفی ساده انتخاب شده که مجموعاً ۴۶۸ نفر حجم نمونه دختران بازمانده از تحصیل و شاغل (ترک تحصیل نکرده) تعیین گردید و مورد مقایسه قرار گرفت.

روش اجرای آزمون

در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده است. به این صورت که ابتدا مبانی نظری موضوع از منابع کتابخانه و برای جمع آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. و برای تهیه این ابزار پس از مطالعه پیشینه تحقیق و بررسی و اظهار نظر اساتید صاحب نظر و نظرات اصلاحی استاد ناظر، پرسشنامه‌ای براساس مقیاس طبقه بندی لیکرت تهیه و تنظیم شده است و پس از تکمیل و جمع آوری داده‌ها، اطلاعات مورد نیاز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مورد هریک از فرضیه‌های پژوهشی شماره (۱) الی (۶) جهت تعیین تفاوت میانگین‌ها از آزمون t-test استفاده شده است.

روایی و پایایی وسیله اندازه گیری:

پیش از آن که به گردآوری اطلاعات پرداخته شود در مورد روایی پرسشنامه، یعنی این که ابزارهای اندازه گیری تا چه حدی خصیصه مورد نظر را می‌سنجد آگاهی حاصل شود. که در این زمینه جهت تأیید روایی محتوایی پرسشنامه از نظر و قضاوت اساتید علوم تربیتی و نیز متخصصان امور استفاده شده است و پس از تأیید روایی محتوایی پرسشنامه توسط کارشناسان علوم تربیتی و اجتماعی به اجرا گذاشته شد. پایایی

پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ^۹ محاسبه گردید. مقدار آلفای کرونباخ (Cronbach Alpha Test) کل پرسشنامه برابر $\alpha=0.81$ است که پایایی بالای وسیله اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

فرضیه ۱ تحقیق: «عوامل محیطی در بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است».

نتایج جدول (۱۳-۴) نشان می‌دهد که میانگین عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۱۲/۴۴ درصد و دانش آموزان عادی ۱۰/۰۶ درصد می‌باشد. انحراف از معیار دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۳/۳۲ و دانش آموزان عادی ۲/۵۸ بوده که نشانگر تأثیر بیشتر عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد.

جدول (۱۳-۴). عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بازمانده	۳۳۴	۱۲/۴۴	۳/۳۲	
عوامل محیطی ترک تحصیل عادی	۳۳۴	۱۰/۰۶	۲/۵۸	

جدول (۱۴-۴). آزمون t عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
بازمانده	F	sig	۸/۶۲	۲/۱۳۷	۰/۰۰۰
عوامل محیطی عادی	۱۲/۳۳	۰/۰۰۰	۸/۶۲	۲/۱۳۷	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۱۴-۴) نشانگر این است که آزمون t استیودنت عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی به مقدار ۸/۶۲ تفاوت معنی‌داری با فرض برابر و نابرابر واریانس در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ وجود دارد و اختلاف میانگین عوامل محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی برابر ۲/۱۳۷ است که نشانگر نقش بیشتر عوامل

محیطی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد. نتیجه بیانگر آنست که عوامل محیطی (اطرافیان و فامیل و آشنایان نزدیک) و فعل و انفعالاتی که در محیط پیرامون «محل زندگی دانش آموز» مانند فقدان والدین (فوت پدر یا مادر یا هردو) اتفاق می‌افتد در تعیین موفقیت آموزشی دانش آموزان تأثیرگذار است.

فرضیه ۲ تحقیق: «عوامل خانوادگی در بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است».

نتایج جدول (۴-۱۵) نشان می‌دهد که میانگین عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۳۵/۰۷ درصد و دانش آموزان عادی ۳۲/۵۴ درصد می‌باشد. انحراف از معیار دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۳/۶ و دانش آموزان عادی ۸/۵ بوده که نشانگر تأثیر بیشتر عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد.

جدول (۴-۱۵). عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
عوامل خانوادگی	بازمانده	۲۳۴	۳۵/۰۷	۸/۵
	عادی	۲۳۴	۳۲/۵۴	۳/۶

جدول (۴-۱۶). آزمون t عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری
عوامل خانوادگی	بازمانده	F	۵/۲۴	۳/۱۹	۰/۰۰۰
	عادی	۱۲/۳۲	۵/۲۴	۳/۱۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۴-۱۶) نشانگر این است که آزمون t استیودنت عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی به مقدار $۴/۲۵$ تفاوت معنی‌داری با فرض برابر واریانس در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ وجود دارد و اختلاف میانگین عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی برابر ۳/۱۹ است که نشانگر نقش بیشتر عوامل خانوادگی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد. نتیجه اینکه عوامل خانوادگی از جمله اعتیاد والدین، طلاق و جدایی والدین، پایین بودن سطح سواد اولیاء، کثرت تعداد اعضای خانواده و... در ترک تحصیل دانش آموزان بسیار مؤثر است.

فرضیه ۳ تحقیق: «عوامل اقتصادی در بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است».

نتایج جدول (۱۷-۴) نشان می‌دهد که میانگین عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۱۰/۵۱ درصد و دانش آموزان عادی ۹/۸۹ درصد می‌باشد. انحراف از معیار دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۲/۸۴ و دانش آموزان عادی ۲/۰۹ بوده که نشانگر تأثیر بیشتر عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد.

جدول (۱۷-۴). عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بازمانده	۲۳۴	۱۰/۵۱	۲/۸۴	
عوامل اقتصادی عادی	۲۳۴	۹/۸۹	۲/۰۹	

جدول (۱۸-۴). آزمون t عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری
بازمانده	F	sig	۲/۶۶	۰/۶۱	۰/۰۰۸
عوامل اقتصادی عادی	۲۱/۷۸	۰/۰۰۰	۲/۶۶	۰/۶۱	۰/۰۰۸

نتایج جدول (۱۸-۴) نشانگر این است که آزمون t عوامل اقتصادی بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی به مقدار ۲/۶۶ تفاوت معنی‌داری با فرض برابر واریانس در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۸ وجود دارد و اختلاف میانگین عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی برابر ۰/۶۱ است که نشانگر نقش بیشتر عوامل اقتصادی ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد. یعنی عوامل اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای در ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر دارد بدین صورت که فقر مالی و بنیه ضعیف اقتصادی خانواده، اشتغال زود هنگام و انگیزه کسب درآمد و کار کردن دانش آموزان برای تأمین هزینه‌های تحصیل و ... از جمله عوامل تعیین کننده شاخص‌های اقتصادی موفقیت آموزشی دانش آموزان محسوب می‌شود.

فرضیه ۴ تحقیق: «عوامل مربوط به مدرسه در بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است»

نتایج جدول (۱۹-۴) نشان می‌دهد که میانگین عوامل مربوط به مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۲۴/۴۵ درصد و دانش آموزان عادی ۱۹/۳۵ درصد می‌باشد. انحراف از معیار

دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۵/۱۸ و دانش آموزان عادی ۴/۰۹ بوده که نشانگر تأثیر بیشتر عوامل مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد.

جدول (۱۹-۴). عوامل مربوط به مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
عوامل مربوط به مدرسه‌ی ترک تحصیل	بازمانده	۲۳۴	۲۴/۴۵	۵/۱۸
	عادی	۲۳۴	۱۹/۳۵	۴/۰۹

جدول (۲۰-۴). آزمون t عوامل مربوط به مدرسه‌ی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری
عوامل مربوط به مدرسه	بازمانده	F	۲/۶۶	۵/۱۰	۰/۰۰۰
	عادی	۱۰/۴۷	۲/۶۶	۵/۱۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۲۰-۴) نشانگر این است که آزمون t استیودنت عوامل مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی به مقدار ۲/۶۶ تفاوت معنی‌داری با فرض برابر واریانس در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ وجود دارد و اختلاف میانگین عوامل مربوط به مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی برابر ۵/۱۰ است که نشانگر نقش بیشتر عوامل مربوط به مدرسه‌ای ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از تحصیل از دانش آموزان عادی می‌باشد. نتیجه فرضیه فوق حاکی از آنست که عوامل مربوط به مدرسه‌ای ترک تحصیل مانند عدم علاقه به بعضی دروس در مدرسه، تجدید شدن و عدم شرکت در امتحانات تجدیدی، ضعف معلمان در اداره کلاس، ارائه دروس و نحوه رفتار آنان با دانش آموزان، عدم توجه معلمان به وضعیت تحصیلی دانش آموزان ضعیف، عملکرد ضعیف مدیران و عدم تجربه و تحصیلات کافی معلمان و حجم کتب درسی و... بیشترین تأثیر را در ترک تحصیل دانش آموزان دختر دارد.

فرضیه ۵ تحقیق: «عوامل مرتبط با گروه همسالان در بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است».

نتایج جدول (۲۱-۴) نشان می‌دهد که میانگین عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۹/۳۱ درصد و دانش آموزان عادی ۵/۴۷ درصد می‌باشد. انحراف از معیار دانش آموزان بازمانده از تحصیل ۲/۹۹ و دانش آموزان عادی ۱/۷۶ بوده که نشانگر تأثیر بیشتر عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان

جدول (۲۱-۴). عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
عامل همسالان	بازمانده	۲۳۴	۹/۳۱	۲/۹۹
	عادی	۲۳۴	۵/۴۷	۱/۷۶

جدول (۲۲-۴). آزمون t عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
عامل همسالان	بازمانده	F	sig	۱۶/۷۷	۳/۰۸
	عادی	۶۶/۴۴	۰/۰۰۰	۱۶/۷۷	۳/۰۸

نتایج جدول (۲۲-۴) نشانگر این است که آزمون t عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی به مقدار ۱۶/۷۷ تفاوت معنی داری با فرض برابر واریانس در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ وجود دارد و اختلاف میانگین عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی برابر ۳/۰۸ است که نشانگر نقش بیشتر عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل بین دانش آموزان بازمانده از تحصیل از دانش آموزان عادی می باشد. یعنی عوامل مربوط به گروه همسالان از جمله داشتن دوستان و همکلاسان نالایق و ناباب و همنشینی و رفت و آمد با آنها بخصوص در سنین نوجوانی و جوانی در تعیین موفقیت دانش آموزان متوسطه بسیار مهم است که فرضیه فوق نقش گروه همسالان را در ترک تحصیل دختران تایید می نماید.

فرضیه ۶ تحقیق: «ترک تحصیل دانش آموزان بر اساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) متفاوت است».

نتایج جدول (۲۷-۴) نشان می دهد که میانگین ترک تحصیل دانش آموزان در محیط روستایی ۸۴/۳۶ درصد و در محیط شهری ۸۵/۶۰ درصد می باشد. انحراف از معیار ترک تحصیل دانش آموزان محیط روستایی ۱۴/۹۹ و محیط شهری ۱۵/۷۴ بوده که نشانگر ترک تحصیل بیشتر دانش آموزان در محیط روستایی به محیط شهری می باشد.

جدول (۲۷-۴). عوامل مرتبط با محیط زندگی (روستایی و شهری) بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل

متغیر	دانش آموزان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
محیط زندگی	روستایی	۲۶۶	۸۴/۳۶	۱۴/۹۹
	شهری	۲۰۲	۸۵/۶۰	۱۵/۷۴

جدول (۲۸-۴). آزمون t محیط زندگی ترک تحصیل بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل						
متغیر	دانش آموزان	تست لون	مقدار t	اختلاف میانگین	سطح معنی داری	
محیط زندگی	روستایی	F	sig	۰/۸۷	۱/۲۸	۰/۳۸
	شهری	۳/۹۴	۰/۰۴	۰/۸۷	۱/۲۸	۰/۳۸

نتایج جدول (۲۸-۴) نشانگر این است که آزمون t ترک تحصیل دانش آموزان براساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) به مقدار ۰/۸۷ تفاوت معنی داری با فرض برابر واریانس در سطح معنی داری ۰/۳۸ وجود ندارد و اختلاف میانگین ترک تحصیل دانش آموزان بر اساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) برابر ۱/۲۸ است که نشانگر ترک تحصیل بیشتر دانش آموزان در محیط روستایی به محیط شهری می باشد ولی این اختلاف معنی دار نمی باشد. یعنی محیط زندگی دانش آموزان اعم از (روستایی و شهری) با توجه به عواملی از جمله نابرابری توزیع امکانات آموزشی و رفاهی در مناطق مختلف، یکسان بودن معیارهای آموزش و سنجش در نقاط مختلف، عدم وجود امکانات و تسهیلات و فرصت های برابر آموزشی در مناطق دور افتاده و دوری محل تحصیل از منزل دانش آموزان،... نقش تعیین کننده ای در ترک تحصیل دانش آموزان دختر در مناطق روستایی و شهری دارد. نتایج حاصله از آزمون t نشان می دهد بین عوامل محیطی ترک تحصیل در دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد و با تأیید فرضیه آماری عوامل محیطی بیشترین نقش را در ترک تحصیل دختران داشته است که با نتایج تحقیق صداقت (۱۳۸۶)، سخایی (۱۳۸۲)، فرود بلداجی (۱۳۸۱)، مهران (۱۳۸۲)، امجدیان و صیدی (۱۳۸۰) همخوانی و همسویی دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصله از آزمون t برای گروه های مستقل نشان می دهد بین عوامل خانوادگی ترک تحصیل در دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد و با تأیید فرض آماری عوامل خانوادگی نقش بیشتری را در ترک تحصیل دختران دارد که با نتایج تحقیق صداقت (۱۳۸۶)، عارفی (۱۳۸۲)، عسگری (۱۳۸۲)، مطهری (۱۳۸۱) همخوانی و همسویی دارد. نتایج حاصله از آزمون t استیودنت نشان می دهد بین عوامل اقتصادی ترک تحصیل در دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد و با تأیید فرض آماری عوامل اقتصادی نقش بیشتری را در ترک تحصیل دختران دارد که با نتایج تحقیق صداقت (۱۳۸۶)، عارفی (۱۳۸۲)، عسگری (۱۳۸۲)، پیرسون و نیوکومپ (۲۰۰۲)، چو (۲۰۰۳)، مک ملین و همکاران (۲۰۰۷)، سخایی (۱۳۸۲)، داش خانه (۱۳۸۰) همخوانی و همسویی دارد.

نتایج حاصله از آزمون t استیودنت نشان می دهد بین عوامل مربوط به مدرسه ای ترک تحصیل در دانش آموزان بازمانده از تحصیل و دانش آموزان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد و با تأیید فرض

آماري عوامل مربوط به مدرسه‌اي ترک تحصیل نقش بیشتری را در ترک تحصیل دختران دارد که با نتایج تحقیق انزابی (۱۳۷۲)، عارفی (۱۳۸۲)، سیف (۱۳۷۸)، سلطانی (۱۳۷۵)، رامبرگر (۲۰۰۱)، سخایی (۱۳۸۲) همخوانی و همسویی دارد.

نتایج حاصله از آزمون t استیودنت نشان می‌دهد بین عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل در دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل و دانش‌آموزان عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با تأیید فرض آماری عوامل مرتبط با گروه همسالان ترک تحصیل نقش بیشتری را در ترک تحصیل دختران دارد که با نتایج تحقیق صداقت (۱۳۸۶)، داش‌خانه (۱۳۸۰)، عسگری (۱۳۸۲)، حسینی (۱۳۷۵)، مک‌ملین و همکاران (۲۰۰۷)، چو (۲۰۰۳) همخوانی و همسویی دارد.

نتایج حاصله از آزمون t استیودنت نشان می‌دهد بین ترک تحصیل دانش‌آموزان بر اساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) در دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل و دانش‌آموزان عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و با رد فرضیه آماری ترک تحصیل دانش‌آموزان بر اساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) نقش بیشتری را در ترک تحصیل دختران نداشته است که با نتایج تحقیق عسگری (۱۳۸۲)، داش‌خانه (۱۳۸۰)، معتمدیان و صادق موسوی (۱۳۷۰)، ولز (۱۹۸۹)، سخایی (۱۳۸۲)، رامبرگر (۲۰۰۱)، چو (۲۰۰۳) همخوانی و همسویی دارد.

با مرور ادبیات تحقیق می‌توان به نتایج تحقیقات اشاره نمود که با نتایج این تحقیق همسو هستند. مهران (۱۳۸۲) دلایل ترک تحصیل دختران را حول سه محور: علل مدرسه‌مدار، علل خانواده‌مدار و علل کودک‌مدار دانسته، فاطمه داش‌خانه (۱۳۸۰) در نتایج تحقیق خود نشان می‌دهد که در زمینه دستیابی برابر به فرصت‌های آموزشی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت با محرومیت بیشتر دختران در مقایسه با پسران است. همچنین عوامل برون‌مدرسه‌ای (عوامل فرهنگی و اقتصادی) به میزان بیشتری موجب محرومیت دختران از آموزش در دوره عمومی می‌شود. ابوالفضل انزابی (۱۳۷۲) بررسی علل ترک تحصیل یافته‌ها نشان می‌دهد که (۱) میزان تحصیلات پدر و مادر اکثر دانش‌آموزان مردودی بیسواد و در حد دوره ابتدایی بوده است. (۲) اکثر دانش‌آموزان مردودی دارای خانواده با جمعیت ۶ نفر و بیشتر می‌باشد که نشانگر تأثیر تعداد زیاد افراد خانواده در مردود شدن دانش‌آموزان است (۳) اکثر والدین دانش‌آموزان مردودی در انجام تکالیف به دانش‌آموزان کمک نمی‌کرده‌اند که این عامل می‌تواند تأثیر زیادی در مردودی و ترک تحصیل دانش‌آموزان تلقب گردد (۴) عملکرد ضعیف مدیران و عدم تجربه و تحصیلات کافی معلمان و حجم کتب درسی در مردودی دانش‌آموزان مؤثر است (۵) نبود فضا، امکانات و تجهیزات آموزشی، تراکم زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس، مهاجرت بی‌رویه و چندنوبته شدن مدارس در مردودی و ترک تحصیل مؤثر بوده است. محسنی (۱۳۷۹) و حسینی (۱۳۷۵) علل ترک تحصیل دختران در عواملی چون: به تأثیر ازدواج زودرس، عدم وجود دبیرستان در محل زندگی، تعصبات

خانوادگی و محلی، فقر اقتصادی، بی سوادی خانواده‌ها و زیاد بودن تعداد افراد خانواده، بر روی ترک تحصیل دختران را تأیید نموده است.

عسگری (۱۳۸۲)، عارفی (۱۳۸۲)، صداقت (۱۳۸۶)، فرود بلداچی (۱۳۸۱)، محسنی (۱۳۷۹)، سلطانی (۱۳۷۵)، علی اکبر ترکاشوند (۱۳۷۶)، مهران (۱۳۸۲) مهمترین عوامل بازماندگی از تحصیل را در دختران این موارد می‌دانند: نبودن مدرسه در نزدیکی محل زندگی، نبودن وسایل رفت و آمد، مشکلات مذهبی و تفاوت با مذهب رسمی کشور، مسایل و مشکلات قبیله ای و نژادی، مشکلات اقتصادی، نیاز به نیروی کار دختران در منزل، عرف دور شدن دختران از منزل، ضروری ندانستن امر سواد و ادامه تحصیل برای دختران از طرف خانواده، ترس از عوارض و ناهنجاری های ناشی از ادامه تحصیل دختران و ازدواج زود هنگام آنان. تحقیق ولز (۱۹۸۹) و جونز و همکارانش (۲۰۰۰) به عوامل اقتصادی و اجتماعی در ترک تحصیل دانش آموزان بیشتر تأکید دارند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- درمورد نقش عوامل خانوادگی ترک تحصیل دختران پیشنهاد می‌شود نهادهای زیر ربط از جمله سازمان آموزش و پرورش و بهزیستی و صدا و سیما آگاهی‌های لازم را به آنها بدهند و رضایت والدین و عوامل دیگر را مرتفع سازند.

- در مورد نقش عوامل محیطی و محیط زندگی ترک تحصیل دختران پیشنهاد می‌شود که سازمان آموزش و پرورش جهت پیشگیری از ترک تحصیل دانش آموزان دختر در نزدیک‌ترین محل به محیط زندگی دانش آموزان و متناسب با نیاز آنها فضای فیزیکی و دیگر نیازمندی‌های آموزشی آنها را فراهم سازد.

- در مورد نقش عوامل مربوط به مدرسه پیشنهاد می‌شود که سازمان آموزش و پرورش جهت پیشگیری از ترک تحصیل دانش آموزان دختر تجهیزات آموزشی و امکانات متناسب با نیاز دانش آموزان دختر به خصوص در مناطق محروم فراهم نمایند و نیازهای نرم افزاری و سخت افزاری را مرتفع سازد.

- تقویت مشارکت و همکاری والدین در امور مدرسه و مسائل آموزشی از طریق برگزاری جلسات توسط رؤسای آموزش و پرورش و یا مدیران محوری .

- ایجاد ارتباط بین مدرسه و اجتماع از طریق جذب افراد تحصیل کرده همان مدرسه یا افراد بومی برای سخنرانی به والدین دانش آموزان جهت ایجاد باور مثبت به تحصیل.

- ایجاد برنامه‌های تحرک بخش و مربوطه مانند برگزاری اردوهای آموزشی و تفریحی به منظور افزایش جایگاه منزلتی مدرسه به عنوان یک بستر مناسب رشد.

– با توجه به نتایج بدست آمده در کل پیشنهاد می‌شود سازمان آموزش و پرورش با انجام تحقیقات طولی و فرایندی جهت پیشگیری از ترک تحصیل دانش آموزان دختر، در ارائه مدلی جهت فرصت‌های برابر آموزشی تلاش نماید.

منابع

امجدیان، فیروز و صیدی، بهروز. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در ترک تحصیل دانش آموزان دوره ابتدائی استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه.

انزایی، ابوالفضل. (۱۳۷۲). پژوهش بررسی علل مردودی و ترک تحصیل در پایه های اول ابتدایی و اول راهنمایی تحصیلی در مناطق آموزش و پرورش استان اذربایجانشرقی. وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

ترکاشوند، علی اکبر. (۱۳۷۶). پایان نامه بررسی نقش زمینه شغلی در ترک تحصیل دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی روستای اشترمل توپسرکان – همدان مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا. حسینی، سید خالد (۱۳۷۵). «بررسی رابطه سنت ها و فرهنگ مردم در مورد ترک تحصیل دختران در منطقه دهگلان». شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.

داش خانه، فاطمه. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در نابرابری آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدل نظری برای آموزش دختران. فصلنامه تعلیم و تربیت، صص ۴۵-۵۸.

سخایی، داود. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی در شهرستان فریدن در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۱، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. سلطانی، سعیدالله. (۱۳۷۵). پایان نامه بررسی علل ترک تحصیل دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه کبودرآهنگ، همدان مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا.

سیف، الله داد. (۱۳۷۸). پایان نامه بررسی میزان و علل ترک تحصیل دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی بخش فیروزان از دیدگاه معلمان این پایه، همدان، مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا. صداقت، کامران. (۱۳۸۶). بررسی علل بازماندن از تحصیل دختران مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی و ارائه راهکارهای مناسب، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت کاربردی تبریز.

عارفی، مرضیه. (۱۳۸۲). بررسی علل ترک تحصیل زود هنگام دختران در دوره راهنمایی استان آذربایجان غربی، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.

عسگری، محمد. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه فامنین از نظر دانش آموزان و دبیران، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان .

محسنی، سیف الله. (۱۳۷۹). پایان نامه بررسی میزان علل ترک تحصیل دانش آموزان مدارس راهنمایی بخش گل تپه ، همدان مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا .

مطهری، ابوالفضل. (۱۳۸۱). بررسی عوامل درون مدرسه ای موثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۸۰-۷۹ ، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان قم .

معمدیان، جمشید و صادق موسوی ، خسرو. (۱۳۷۰). بررسی علل مردودی و ترک تحصیل در پایه های اول ابتدایی و اول راهنمایی تحصیلی کشور ؛ وزارت آموزش و پرورش : پژوهشکده تعلیم و تربیت .

معیری، محمد طاهر. (۱۳۷۶). مسائل آموزش و پرورش ، تهران : انتشارات امیر کبیر.

مهران، گلنار. (۱۳۸۲). بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاور میانه و شمال افریقا و بویژه در ایران؛ فصلنامه تعلیم و تربیت ، ص ۱۰ الی ۳۵ .

نادری بلداجی ، فرود . (۱۳۸۱). پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان مدارس عشایری لردگان و اردل؛ دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

Chow, Stanley and Others (2003), **Dropping Out in Ogden City Schools : THE voice of the student , Rural Education and Small Schools .**, West ED . San Francisco , CA .ERIC Accession No.- ED405160 .

Finn, M . (1989) . **Why urban adolescence drop into and out of public high school. teachers College record** , 87 , 393- 409 .

Janosz , M., Blanc , M., Boulerice, B., and Tremblay, R, E. (2000) . **Predicting Different Types, of school Dropouts: A Typological Approach With Two Longitudinal Samples. Journal of Educational Psychology** Vol. 92, No. 1,171-190.

McMillan , M. M. and Kaufman, P. (2007),, **Dropout rates in the United States, Washington, DC: Government printing Office.**

Pearson , S.B.,& Newcomb, M. D. (2002). **Predictors of early high school dropout: A test of five theories. Journal of educational psychology.** Vo.l. 92, No, 3.568- 582.

Rumberger, R.W.(2001), **Dropping out of middle school : A multilevel analysis of students and schools** ,, **American Educational Research Journal** , Vol. 32.

Wells, Amy Stuart. (1989) . **Middle School Education- The Critical Link in Dropout Prevention.** ERIC Accession No.-ED 31114.

A study of the effective social and environmental factors on female high-school students' drop-out in Miandoab Township in 2010-2011

Alinaghi Aghdasi, Ph. D.

Afsaneh Zeynalfam

Abstract:

The study aimed at investigating the effective social and environmental factors on the high-school female students' drop-out in Miandoab Township in 2010-2011. The statistical population included two groups (4085 drop-out and 604 non-dropouts) students. The research method was causal – comparative. The sample size was selected through multistage cluster sampling. Using Cochran's formula the sample size was 234 drop-out student. The sample size was randomly selected from non- dropout students. To gather the data researcher made questionnaire was used. The descriptive and inferential statistics were used to analyses the data. To test the hypotheses the t-statistic was used. The results showed that there was a significant difference between drop-out and non-dropout students. So the social, environmental, family. Economical and per groups factors are very effective in female drop-out. The mean difference for drop-out based on the living environment (rural or urban) was 1.28 which shows the rate of drop-out is higher in rural area, but it is not statistically significant.

Keywords: social and environmental factors, drop-out, female students.